

الحامد الحمید الخاج علی الفرائض

امام ماچ شد آن ماه تابان
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

چرا از دیده ما گشته پنهان
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

هماران از چه شور و غم پیاشد
سزاوارتال اندر هر کجاشد
مگر روح خدا از تورها صد

چرا جایش بود خالی بدوران
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

هماران باز یان پی زبانی
بگو که آن امام جاودانی
چرا در توری آه و فغانی
کجاشد آن امید مستندان
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

هماران دیده بگما مآندان
شهدا آمدند بیرون رخا
سوی تو و کمال پر فغان
شکایتها کنند از جور عدوان
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

۳

هماران آمدیم ما بجهل اسرار

که تسلیم دهیم با قلب پرور
با اهل بیت رهبر با صد افروز

پیرشان غمناک دیده گریان
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

هماران اگر چه رفته رهبر ما
ولی شد سید احمد سرور ما
بعد باقی چو جهان در پیر ما

پس همچو پدر در راه قرآن
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران

هماران رفت امام لیک ندر دل
بود نامش که نامش کل مشکل
تیم بیعت بان پر مهر و عادل
که گشته حاشینش اردل جان
هماران ای چهاران چهاران ای چهاران
(برای پی راه)

وای از این مصیبت
رفت از دست ما امام است
دوبار

با صد آه و محنت
رفت از دست ما امام است
دوبار

صد داد و فریاد ای خدا بنموده رحلت
امام است
ای دل برون صیحه هیه از این مصیبت
امام است
امام است